

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال هفتم، شماره بیست و هشتم، زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۶۴ - ۱۴۵

بازنمایی اصول کلاسیسم و نئوکلاسیسم در شعر پروین اعتصامی

دکتر خلیل بیگزاده - * علی صفی زاده **

چکیده

پروین اعتصامی از شاعران سنت‌پذیر نوگرا، خردستا، اخلاق‌مدار و آرمان‌خواه عصر مشروطه است که در پیدایش ادبیات کلاسیسم و نئوکلاسیسم در ادب معاصر فارسی دخیل بوده است و در این زمینه از سرآمدان عصر خویش است. او شاعری اجتماعی با بینشی انسانی است که کوشش انسان عصر خویش را می‌ستاید و او را به خردورزی، دانایی محوری و تصمیم‌عقلانه دعوت می‌کند. اگرچه این شاعر مکتب کلاسیسم به دنبال تبلیغ مسلک خاصی نیست اما خردمندی و اخلاق فردی و اجتماعی را می‌ستاید و به اصلاحات اخلاقی و اجتماعی می‌اندیشد و سعادت فرد و جامعه را خواهان است. پژوهش حاضر، بازنمایی اصول کلاسیسم و نئوکلاسیسم را در شعر پروین اعتصامی به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر نقد تطبیقی بررسی و تحلیل کرده، نشان داده است که این شاعر معاصر به خردورزی، اخلاق‌مداری، آرمان‌گرایی و

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه kbaygzade@razi.ac.ir

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه alisafizadeh1974@gmail.com

تاریخ پذیرش ۹۴/۹/۲۴

تاریخ وصول ۹۴/۶/۴

دوری از ناهنجاری گرایش دارد و در بند رستگاری ملی است. پروین میان سنت و مدرنیته ارتباطی مفید برقرار کرده است؛ یعنی هم دستاوردها و آموزه‌های سنتی را ارج می‌نهد و هم با روی باز به استقبال مضامین و افکار نو می‌رود، همان اصلی که در نگاه نئوکلاسیک‌ها مهم است. عقل‌ستایی و عقلانیت‌سرایی خمیرمایه اصلی شعر این شاعر عصر مشروطه است. او هم اختیار انسان را تبلیغ می‌کند و هم در انتخاب طرفین مناظره‌هایش شیوه‌ای نو و روزآمد دارد.

واژه‌های کلیدی

پروین اعتصامی، کلاسیسم و نئوکلاسیسم، خردگرایی، شعر مشروطه، ادبیات تعلیمی.

۱. مقدمه

اصول مکتب کلاسیسم جامع‌تر از سایر مکاتب است و طول عمرش، چه در غرب و چه در ادب فارسی بیشترین و طولانی‌ترین پیشینه را دارد، به گونه‌ای که اگر آغاز ادب یونان را قرن پنجم قبل از میلاد و قرن هیجدهم را پایان کلاسیسم بدانیم، این مکتب بیست و سه قرن بر فضای ادبیات جهان سلطه داشته است. در ادبیات فارسی نیز می‌توان گفت عمر این مکتب بسیار بیشتر از سایر سبک‌ها و دوره‌ها بوده است. «واژه کلاسیسم به لحاظ لغوی از واژه کلاسیس در لاتین می‌باشد و به معنی طبقه، گروه و زیرمجموعه است» (ثروت، ۱۳۸۵: ۴). اصول اساسی دو مکتب کلاسیسم و نئوکلاسیسم به اجمال عبارت از کلی‌گرایی و کلی‌نگری، مُحاکات سنجایای عالی بشری، نگاه به گذشته، پیروی از عقل، آموزنده و خوشایند بودن، حقیقت‌نمایی، فخامت، تقلید از طبیعت و اخلاق‌گرایی است. از بنیانگذاران کلاسیسم در فرانسه می‌توان راسین، ولتر و مولیر، در انگلستان، سویفت، پوپ و درایدن، در آلمان، شیلر، گوته و لسینگ و در

ایتالیا، گلدونی را نام برد که تاثیر اصول و چهارچوب نظرات آنان بر شعر پروین اعتصامی در این مقاله تحلیل شده است.

آرا و افکار پروین اعتصامی (۱۳۲۰-۱۲۸۵) در ادب معاصر ایران به کلاسیک‌ها شباهت دارد. پروین یکی از فرزندان نسل پاکی است که با تمام توان، ایران و ایرانی را درخشان و خورشید خردگرایی را بر فراز این سرزمین تاریخ‌ساز درخشنده می‌خواست. وی عمر کوتاهی اما پربارش را برای زدودن جهل و تاریکی از چهره این کشور هزینه کرد. مکتب شعری پروین، کلاسیسم و بارزترین وجه این مکتب، پند و اندرز است. شعر پروین، پُر از پند و اندرزهایی است که در گستره عرفان هم می‌تواند تعمیم یابد اما غالباً در جهت فرهنگ و ذهنیت عامه قرار دارد. «شعر پروین آمیزه‌ای است از حکمت و اندرز کلاسیک، با نوعی همدردی و همدلی و واکنش در برابر محیطی که گاه یادآور آثار درخشان سخن‌سرایان کهن است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۸۲). یان ریپکا نیز کلاسیسم پروین را این‌گونه معرفی می‌نماید: «او بر طبق قانون‌های شعر کلاسیک شعر می‌سرود، هر چند در زبانی ساده. اغلب آگاهانه از هنر پیشینیان تقلید می‌نمود. او درست همانند نویسندگان کلاسیک از درون‌مایه‌های فلسفی و اخلاقی با اشاره‌ها و کنایه‌هایی به رویدادهای معاصر استفاده می‌کرد» (ریپکا، ۱۳۸۳: ۶۷۴). تازگی درون‌مایه‌های شعر پروین انکارناپذیر است و همین نکته «بدعت و تازگی درون‌مایه» را می‌توان از منظر نئوکلاسیک بودن پروین برکاوید و شکافت، چون هنرمندان کلاسیسم برای «طبقات ممتاز» می‌نوشتند و به بیان مسائل اخلاقی توجه داشتند (هارلند، ۱۳۸۸: ۱۳۰). به سخن دیگر شاعر کلاسیسم، سخنگوی طبقه اشراف و ممتاز است.

اگر چه نئوکلاسیک‌ها به گذشته توجهی ویژه داشتند و دستاوردهای سنت را با ارزش می‌پنداشتند اما شعر را در حصار آن محدود و محصور نمی‌کردند بلکه با آغوش باز به استقبال موضوعات و مضامین جدید می‌رفتند و پروین نیز از این دایره بیرون نیست.

اگر چه شعر او در دسته ادبیات تعلیمی فارسی جای دارد اما در لابلای این تعلیم اخلاقی، مسائل اجتماعی و سیاسی مردم نیز به بهترین وجه نمود دارد و مضامینی که به کار می‌گیرد، با «نظریه نوینی از ملت، وطن، مسائل اجتماعی و محفلی، روابط انسانی و طبیعت» همراه است که در بسیاری موارد «با خشم اخلاقی و دعوت به اصلاح» همراه می‌شود (آژند، ۱۳۶۳: ۴۹). پروین شاعری است که در پس کلامش اندیشه‌ای بزرگ نهفته است و فقط به دنبال زیبایی لفظی در سخنش نیست بلکه سخنش در خدمت اندیشه و معناست. از ویژگی‌های شعر پروین «صفا و خلوص و جودت فوق‌العاده، تصویر زنده طبیعت، تنوع و تجدد در اندیشه و وارستگی از عقاید رایج و حاکم بر جامعه است و همین صفات است که شعر او را با وجود تتبع از سبک و روش پیشینیان، یک نوع اصالت و استقلال بخشیده و به هر زبانی قابل ترجمه ساخته است» (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۵۴۱).

۱-۱. بیان مسئله

کلاسیسم و نئوکلاسیسم از مکاتب مهم ادبی هستند که پیشینه‌ای عملی و گسترده در ادب فارسی دارند و بسیاری از متون ادبی - تعلیمی فارسی بی آن که نام مکتب ادبی بر آن بگذاریم، از جرگه این مکاتب هستند. در این میان پروین اعتصامی به عنوان شاعری سنت‌پرداز اما نوگرا خواسته یا ناخواسته یکی از پذیرفتاران و پیروان این مکاتب مهم ادبی به شمار می‌رود. پژوهش حاضر بازتاب اصول و فنون کلاسیسم و نئوکلاسیسم را در شعر پروین اعتصامی با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر نقد تطبیقی تحلیل و تبیین کرده است.

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

نقد تطبیقی و تبیین جلوه‌های اصول مکاتب ادبی کلاسیسم و نئوکلاسیسم در شعر پروین اعتصامی ضرورت این پژوهش است که برای شناخت بهتر و درک ریشه‌ای افکار و

اندیشه‌های پروین در شعرش راهگشا و راهنماست زیرا مقالاتی که در این زمینه نوشته شده‌اند به مصداق‌ها نپرداخته‌اند و فقط به تحلیل این مکاتب بسنده کرده‌اند. این پژوهش می‌تواند راه نو و تازه‌ای را در این زمینه فرا پیش نهد.

۱-۳. پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که درباره شعر پروین انجام شده‌اند و با موضوع این مقاله ارتباط دارند، عبارتند از: «مفهوم تجدد و رویکرد نئوکلاسیک در دیوان پروین اعتصامی» از مریم مشرف (۱۳۹۰) که بیشتر سیر تاریخی شعر مشروطه و مفهوم تجددخواهی شاعران را بررسی کرده است و بسیار جزئی به شعر پروین پرداخته است و اصول و پایه‌های مکتب کلاسیسم و نئوکلاسیسم در شعر پروین در آن نقد و تحلیل نشده است. «بررسی بازتاب روحیات پروین اعتصامی در توصیه‌های اخلاقی وی» از شفیع‌پور و مرجع‌زاده (۱۳۹۳) که بازتاب اخلاقیات را در دیوان پروین بررسی کرده است و «نقد آموزه‌های اخلاقی شعر پروین اعتصامی» از اسماعیلی (۱۳۸۹) که اخلاقیات را بررسی کرده است البته تاکنون کار مدون و دقیقی در زمینه بازنمایی اصول مکتب کلاسیسم و نئوکلاسیسم در شعر پروین انجام نشده است.

۲. بحث و بررسی موضوع

بررسی شعر پروین اعتصامی از منظر اصول و فنون مکاتب کلاسیسم و نئوکلاسیسم نشان می‌دهد تعالیم فکری و فرهنگی تمدن‌ساز با موضوع انسان و اخلاق که امروزه جامعه غرب و به ویژه اروپا خود را سردمدار و بنیانگذار آن می‌داند، در ادب فارسی سابقه‌ای دیرین دارد و پروین میراث‌دار نیاکان و پیشینیان خویش است و این میراث مبتنی بر اخلاق انسانی را که با اصول و فنون این دو مکتب همگرایی دارد با نگاهی تازه در شعرش بازنمایی کرده است.

۱-۲. خردگرایی و تعقل

اگر چه در ادبیات ایران سراسر سخن از عقل و خرد است و ادبیات تعلیمی فارسی سرشار از عقل‌گرایی و خردمداری است اما در شعر پروین، این مقوله بسیار پُر رنگ‌تر است. اگر تنها به موضوع خردگرایی در شعر پروین پرداخته شود، خود داستانی دیگر و حدیثی مفصل است چون در دیوان او و لایه‌های زیرین شعرش، به گونه‌ای گستره سخن از عقل و خرد است و مکتب «کلاسیسم نه تنها مکتب عقلی بلکه کیش حاکمیت عقل است» (سکرتان، ۱۳۸۰: ۵۲)؛ در واقع، اندیشمندان قرن هجدهم به عقل انسان بیش از قوای شهودی و درون‌نگری او اهمیت می‌دادند و به همین سبب دوره مدرن را عصر «خردباوری» هم نامیده‌اند. متفکران این عصر، اثر زیادی بر افکار عصر مشروطه داشتند (مشرف، ۱۳۹۰: ۱۲) و پروین اعتصامی را می‌توان از این گروه خردباور دانست. بررسی دیوان اشعار پروین نشان می‌دهد که او عقل و خرد را نزدیک به ۹۰ بار در شعرش ستوده است و یا از آن یاد کرده است که پر جلوه‌ترین اصل کلاسیسم در شعر شاعر است. پروین با تمام وجود خردگرایی را فریاد می‌زند و در پی ارج نهادن عقل و خرد در نهاد بشریت است:

پیرس راه ز علم، این نه جای گمراهی است

بخواه چاره ز عقل، این نه روز ناچاری است

به چشم عقل بین پرتو حقیقت را

مگوی نور تجلی فسون و طراری است

(اعتصامی، ۱۳۹۰: ۱۰۲)

علم در اندیشه شاعر اساس حرکت آدمی به سمت شناختی هستی‌شناسانه با محوریت انسان است و رهگشای آدمی برای شناخت پرتوهای حقیقت و در مسیر کشف معرفت است.

آن کس که همنشین خرد شد ز هر نسیم

چون پر کاه بی سر و سامان نمی‌شود

(۱۵۱)^۱

رهنمای راه معنی جز چراغ عقل نیست

کوش پروین تا به تاریکی نباشی رهسپار

(۱۵۴)

خرد بهترین همنشینی است که خواهندگان را سامان می‌دهد و چراغی است که انسان را به راه معنی و دریافت عالم حقیقت راهنمایی می‌کند و از ظلمت نادانی می‌رهاند.

البته نوع نگرش پروین به عقل و خرد با نوع نگرش در مکتب کلاسیسم غربی متفاوت است زیرا «در عصر کلاسیسم کسانی (ولتر) این عقیده را ترویج می‌کردند که انسان احتیاجی به دین و حیانی ندارد و عقل برای او کافی است. دئیسم یعنی اعتقاد به مذهب بدون وحی (مذهب عقلانی) که در این دوره طرفدارانی یافت. به نظر دئیست‌ها همه چیز باید با خرد سازگار باشد؛ مثلاً اصول مشترک همه ادیان با خرد سازگار است. این عقیده را می‌توان دنباله جریان اومانسیسم تلقی کرد که در مبارزات خود با کلیسا بر انسان و نیروی عقلانی او تکیه کرد» (شمیسا، ۱۳۹۱: ۵۶). دیگر این که «اساس تفکر در مدرنیته و رنسانس، عقل و احساس نفسانی است لذا عقل و احساس او ذیل خودبنیاداندیشی نفسانی [سوبژکتیویته] جلوه‌گر و محقق می‌گردد. در رنسانس به عنوان طلوعه مدرنیته، بشر در شعر و نثر، خود را به گونه‌ای بشرسالارانه و سیطره‌جویانه و بر پایه اعراض صریح و رسمی و فراگیر از حق و دین و شریعت تعریف می‌کند» (زرشناس، ۱۳۸۶: ۹۰) اما پروین آشکارا بر خردباوری خدامحور نیز تأکید می‌کند و

^۱. برای پرهیز از تکرار از این پس در ارجاع به دیوان پروین تنها به ذکر شماره صفحه بسنده می‌شود.

حدود ۲۰ سروده در دیوانش دیده می‌شود که به طور مستقیم خردباوری توأم با خداباوری را بسیار راهگشا و دقیق به تصویر می‌کشد:

ای خوشا خاطر ز نور علم مشحون داشتن

تیرگی‌ها را از این اقلیم بیرون داشتن

همچو موسی بودن از نور تجلی تابناک

گفت‌وگوها با خدا در کوه و هامون داشتن

عقل را بازارگان کردن به بازار وجود

نفس را بردن بدین بازار و مغبون داشتن

هر کجا دیوست، آنجا نور یزدانی شدن

هر کجا مار است، آنجا حکم افسون داشتن

(۲۸۲)

شاعر در نگاهی آرمانی آرزوی آن دارد که اندیشه و افکار بشری به نور علم و خرد آراسته گردد تا تیرگی‌ها را از اقلیم دل بشوید و به جان‌آگاهی موسایی برسد و درونش در هر کنجی این جهان هستی به نور تجلی الهی تابناک گردد؛ یعنی پروین غایت نهایی علم و خرد را خداخواهی و خداشناسی می‌داند چون همه چیز از آیین انسان‌ساز اسلام و آبخور و حیانی آن سرچشمه می‌گیرد. این بینش و برداشت پروین، ردی بر تفکر اومانیستی غربی است. برای تفصیل بیشتر، نک. ۵۴۱، ۵۵۷، ۴۵۲، ۳۵۷، ۲۸۷، ۲۸۳، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۳۷، ۲۱۸، ۲۱۵، ۲۰۹، ۱۹۷، ۱۸۶، ۱۷۳، ۱۴۶، ۱۱۷، ۱۰۰.

۲-۲. اخلاق و تهذیب نفس

صاحب‌نظران کلاسیسم، تجسم زیبایی را برای تکمیل یک اثر هنری کافی نمی‌دانند بلکه بر آنند که اثر هنری باید آموزنده باشد و نتیجه اخلاقی داشته باشد و این جنبه اخلاقی باید جوهر اصلی آن اثر و دلیل ایجاد آن شمرده شود (سیدحسینی، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

اگر از این دیدگاه به شعر پروین نگاه کنیم، می‌توان او را شاعری نئوکلاسیست به شمار آورد زیرا «نئوکلاسیست‌ها هنر را بیان عقلی احکام اخلاقی می‌دانستند... و بدین ترتیب صفات اخلاقی و دستاوردهای فکری همواره از لوازم شاعری به شمار می‌آیند» (ولک، ۱۳۷۳: ۶۱) «یکی از ارکان استوار ماندگاری و جاودانگی یک اثر در مشرق زمین نیز همواره تأکید بر اصول و آموزه‌های پندگونه و اخلاقی است» (بلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۵۵). شعر پروین، شعر تهذیب نفس، تربیت اخلاق و ترویج منشور آن و نیز بازنمایی بیداری و رستگاری است و پروین اعتصامی از این منظر شاعری نئوکلاسیک است که هنر شاعری او با حفظ اصول کلی در خدمت اخلاق اجتماعی و آفرینش هنری است؛ چنان که «نویسنده نئوکلاسیک در تصور خود از هویت انسان اصول و قوانینی را نشان می‌دهد که همیشه در طبیعت انسان بوده و خواهد بود... همان اصلی که ادبیات نئوکلاسیک را هنوز زنده نگاه داشته است» (احمدزاده، ۱۳۸۴: ۱۴). ژرف‌ساخت شعر پروین اصولاً اخلاقی است و اخلاق مطرح در شعر او اجتماعی است زیرا او فقط به خود نمی‌اندیشد بلکه خوشبختی و سعادت تمام افراد جامعه را خواهان و آرزومند است؛ این ویژگی انسان‌های بزرگ است که همیشه در دل مردم جای دارند:

خویشتن دیدن و از خود گفتن صفتِ مردمِ کَوته نظر است

(۳۰۱)

نیک‌بخت آن توانگری که به دل غم مسکین ناتوانی داشت

(۱۲۹)

شاعر، خودرایی و خودستایی را از اوصاف کَوته‌نظران می‌داند و نیک‌بختی و توانگری را در آن می‌داند که انسان غم مسکین ناتوانی در دل داشته باشد، از او دلجویی کند. این نوع نگاه کاملاً در گستره اخلاق اجتماعی و نوع دوستی معنا می‌یابد. پروین بر آن است که خودرایی موجب گمراهی است، چنان که حضرت آدم و حوا بر اثر خودرایی و خودخواهی از بهشت الهی رانده شدند:

خودرأی می نباش که خودرأیی راند از بهشت آدم و حوا را
(۷۰)

سجایا و مکارم اخلاقی در شعر پروین جایگاه ویژه‌ای دارد، چنان که انسان و نوع بشر را در این دنیای ناپایدار به نیکویی سفارش می‌کند و نیکویی در نگاه شاعر کنار نهادن حرص و آز و نیز دوری از نادانی و خودخواهی (تکبر) است؛ یعنی کنار نهادن تمایلات نفسانی و خرسندی به کمالات انسانی نه نفسانی چون «حقیقت قناعت یعنی آرامش خاطر در نبودن آنچه دل می‌خواهد» (یلمه‌ها، ۱۳۹۳: ۴۴). پروین در این معنی می‌گوید:

جز نام نیک و زشت نماند ز کارها جز نیکویی مکن که جهان نیست پایدار
(۱۶۳)

به حرص و آز میر فرصت عزیز به سر به جهل و عُجب مکن عمر بی بدیل تمام
(۱۹۲)

هوی و حرص و مستی، خواجه‌تاشند سیه‌کارند در هر جا که باشند
(۵۷۹)

مردم‌آزاری در نگاه پروین رفتاری ناپسندیده است که نتیجه معکوس دارد؛ یعنی آزارنده خود سزای آزارش را می‌بیند و نه آزاردیده؛ بنابر این شاعر نوع بشر را از این رفتار ناپسندیده باز می‌دارد:

گر نخواهی که رسد بر دلت آزاری بر دل خلق مزن بی سببی نشتر
(۱۶۸)

اصول اخلاقی، تهذیب نفس و خودسازی از موضوعات پربسامد اشعار پروین است. حدود ۸۵ سروده در دیوان پروین وجود دارد که شاعر اصول اساسی اخلاق را در آنها باز نموده است. وی پاکی و راستی را در گرو نیالودن فضای پاکی و پاکان، سعی و کوشش را برای نیکوکاری و آسایش دیگران، بلندمرتگی را در خیرخواهی و دوری از

ریاکاری را برای گریز از برداشت‌های ناروا می‌داند و در بند کشیدن حرص و هوی که دزدان راه خردمندی و دانایی هستند تأکید می‌کند و برای ترویج اخلاق می‌کوشد:

دانی که را سزد صفت پاکی آن و وجود پاک نیالاید
تا خلق از او رسند به آسایش هرگز به عمرخویش نیاساید
(۴۰۹)

اگر یر دامن کیوان نشستیم چو خیر کس نمی‌خواهیم بستیم
(۷۲۵)

روان پاک را آلوده مپسند حجاب دل مکن روی و ریا را
بزن دزدان راه عقل را راه مطیع خویش کن حرص و هوی را
(۶۵)

پروین با طبقات محروم جامعه همدردی می‌کند و حق پایمال گشته آن‌ها را مطالبه می‌کند. همدردی او با «مرد رنجبر»، «کودک یتیم» و «برزگر فقیر» نشان عمق احساس انسانی و اخلاقی اوست. «پروین با لطافت روح و مناعت اندیشه‌ای که می‌توان از آن به گونه‌ای عرفان جدید تعبیر کرد، از کنار همه اختناق‌ها و دشواری‌های اجتماعی گذشته و به جای منعکس ساختن اوضاع اجتماعی و سیاسی نامطلوب، با طرح کلیات اخلاقی و بیان فقر و محرومیت شدید عاطفی به ویژه در نسل جوان، به نوعی برداشت اجتماعی - اخلاقی بسنده کرده است» (یا حقی، ۱۳۷۶: ۱۶۶). این ویژگی پروین را می‌توان مهم‌ترین مشخصه مکتب کلاسیسم و نئوکلاسیسم به شمار آورد.

عشق پروین در انسان‌دوستی خلاصه می‌شود. او یک شاعر انسانی است که از انسان مظلوم دفاع می‌کند و بر ظالم می‌تازد. شاعر در ۳۵ سروده به گونه‌ای مستقیم مظلوم‌نوازی کرده است و ندای دادخواهی مظلوم از ظالم در سراسر اشعار او شنیده می‌شود:

ای دوست دزد حاجب و دربان نمی‌شود گرگ سیه‌درون، سگ چوپان نمی‌شود

(۱۵۱)

چو آتش برافروزی از بهر خلق همان آتشت را به دامن کنند
(۱۴۷)

یکی از دغدغه‌های شاعر دستگیری از یتیمان، بینوایان و فقیران است که از ارکان اساسی اخلاق اجتماعی است و بهترین نمونه آن در شعر معروف «اشک یتیم» دیده می‌شود:

بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست
(۳۳۲)

متاب ای دوست بر بیچارگان روی مبادا بر تو گردون تابد ابروی
(۷۲۵)

پروین در میدان ظالم‌ستیزی و مظلوم‌ستایی مقید به زمان نیست و هر مجالی را برای مبارزه با ستم و بیداد غنیمت می‌شمرد؛ چنان که از چالش با قباد ساسانی (پدر انوشیروان) نیز ابایی ندارد. به سخنی دیگر، هیچ قشری از نصیحت و ارشاد شاعر در امان نیست:

روز شکار پیرزنی با قباد گفت کز آتش فساد تو، جز دود آه نیست
روزی بیا به کلبه ما از ره شکار تحقیق حال گوشه‌نشینان گناه نیست
(۳۷۱)

پروین برای سعادتمندی جهان بشریت راهی جز مجاهده در راه علم و دانش و تزکیه دل نمی‌شناسد و آرمانش توسعه دانش و پالایش روح انسانی از پلیدی است. «شعر پروین از لحاظ فکر و معنی بسیار پخته و متین است. وی اندیشه‌گری تواناست که حاصل تأمل و تفکرات خود را درباره انسان و جنبه‌های گوناگون زندگی و نکات اخلاقی و اجتماعی به قلم آورده است. بی‌گمان او در این باب از اندیشه پیشینیان بهره‌مند شده اما سخنش رنگ تقلید و تکرار به خود نگرفته و در اندیشه و طرز بیان از اصالت

برخوردار است» (یوسفی، ۱۳۶۹: ۴۱۴). این شاعر آرزوی رهایی انسان را از قید جهل و نادانی در دل می‌پروراند و آراستگی به فضل و دانش را برترین وسیله رهایی انسان می‌داند. ریشه این نکته را باید در تاریخ دوره مشروطه دانست که شاعران و نویسندگان، از جهل و نادانی مردم می‌نالند. برخی سروده‌های پروین به نوعی در پی بیداری و آگاهی مردم زمانه هستند و می‌توان آن‌ها را از جلوه‌های رنسانس دانست که کلاسیسم و نئوکلاسیسم مولود آن است:

به معمارِ عقل و خرد تیشه ده که تا خانه جهل ویران کنند

(۱۴۷)

جهل پای تو ببندد چو بیابد دست فرصت هست، مده فرصت جولانش

(۱۸۴)

خرد از دام تو بگریخته، باز آرش هنر از نزد تو برخاسته، بنشانش

(۱۸۶)

به که به جوی و جرِ دانش چَرَد آهوی جان است که اندر چَراست

(۱۱۰)

بنا بر این «پروین در ایرانِ عصر جدید، هنرمندی به حساب می‌آید که با منظوم کردن فابل‌ها، مَثَل‌ها، حکایت‌ها و افسانه‌ها موجب تقویت و تداوم سنت پند و اندرزگویی و شعر اخلاقی و تعلیمی شده است» (کریمی حکاک، ۱۳۸۴: ۳۰۰) و مضامین و موضوعات اخلاقی متنوعی را در اشعارش بازنمایی کرده‌است.

برای تفصیل بیشتر، نک. ۵۹۸، ۵۷۹، ۵۴۳، ۴۶۷، ۴۵۵، ۴۲۳، ۴۰۹، ۳۸۱، ۳۷۴، ۳۶۱، ۳۵۱، ۳۳۸، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۴۸، ۲۱۸، ۱۷۴، ۱۴۷، ۷۷.

۲-۳. آرمان‌خواهی

پروین در پی آرمان‌شهری اخلاقی در اشعارش است، چنان که برای بیان

دیدگاه‌هایش در بسیاری از حکایات و مناظراتش به رمانتیسم اجتماعی پناه می‌برد که به نوعی اعتراض به وضع موجود است. او با بینشی روشن، امیدوار است که شرایط بهتر شود. او جامعه را آن گونه که می‌خواهد نمی‌بیند و فریاد سکوت سر می‌دهد اما در زیرساخت کلام، تابع و پیرو بی چون و چرای کلاسیسیسم است. پروین در شعر معروف «اشک یتیم» از زبان پیرزنی گوژپشت و فرتوت، فریاد عدالت‌خواهی سر می‌دهد و به پادشاه زمان با بیانی رسا و ماندگار خطاب می‌کند که آنچه از ثروت دارد، مال یتیم است. بنابر این پروین پادشاه را به سبب ستم بر رعیت سرزنش می‌کند و از زبان پیرزنی راهنمایی و ارشاد می‌کند:

آن پارساکه ده خرد و ملک رهزن است آن پادشاه که مال رعیت خورد گداست
بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست
(۳۳۲)

هم‌چنین پروین خودکامگی و ستم زورگویان را در سروده مذکور با استفاده از تمثیل پادشاه و یتیم بازنمایی کرده است و لزوم برقراری عدالت را فریاد می‌زند:

ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است این گرگ سال‌هاست که با گله آشناست
(۳۳۲)

پروین «سعی در ایجاد دنیایی بهتر و اهتمام در رفع ظلم و بیدادی را که در جامعه عصر وی هست بر مخاطب الزام می‌کند و پیداست که نیل به کمال مرتبه انسانی را بدون رهایی از بی‌عدالتی‌های اجتماعی ممکن نمی‌داند و برای رفع این بی‌عدالتی‌ها هم ترک دنیا و تحقیر متاع دنیوی را توصیه نمی‌کند» (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۲۶۹) بلکه عدالت و مساوات را گاهی در برابری‌های اجتماعی - اقتصادی نیز می‌بیند. بسامد آرمان‌گرایی در اشعار پروین نشان می‌دهد که اکثر مناظرات او این رویکرد را بازنمایی کرده‌اند و مناظرات مبتنی بر آرمان‌گرایی او در موضوعات عقلانی و اخلاقی حدود ۶۰ مورد است.

برای تفصیل بیشتر، نک: قطعات: صاعقه ما، اشک یتیم، گل بی عیب، آیین آینه، عیبجو، مست و هوشیار، رنج نخست، سرنوشت، شرط نیک‌نامی.

۲-۴. مُحاکات سجایای عالی بشری

بیشتر نویسندگان کتاب‌های «مکاتب ادبی» در این مورد، اصطلاح «تقلید از طبیعت» را ذکر کرده‌اند اما شمیسا با بینشی نو و انتقادی، به جای اصطلاح «تقلید از طبیعت» که آن را گمراه کننده می‌داند، اصطلاح «مُحاکات سجایای عالی بشری» را به کار می‌گیرد و در توضیح آن می‌نویسد: «مراد از محاکات، فطرت و طبیعت بشر است و به عناصر ثابت جهانی در تجربیات اخلاقی و عقلی بشر اطلاق می‌شود؛ به سخن دیگر، توصیف و بیان صفات خوب و برجسته کردن اخلاق حمیده و نمایش آن به صورت آرمانی است» (شمیسا، ۱۳۹۱: ۴۶). نکته قابل ذکر این که «هنرمند کلاسیک از همه چیزهای طبیعت، انسان را گلچین می‌کند و در صدد تقلید از طبیعت او برمی‌آید و از طبیعت انسان نیز توجه به صفات پست وی را در شأن نویسنده نمی‌داند زیرا معتقد است صفات پست انسانی در حیوانات نیز وجود دارد بلکه علاقه‌مند به توصیف آن دسته از صفات انسانی است که جاودانه است» (ثروت، ۱۳۸۵: ۳۲). پروین اعتصامی نه به جبر ناتورالیست‌ها در مورد اختیار انسان اعتقاد دارد و نه به احساساتی‌گری پیروان مکتب رمانتیک بلکه پروین همه چیزش بر مدار عقل است و به اراده انسان، آزادی و اختیار او در تعیین سرنوشت خویش اعتقاد راسخ دارد. موضوع اشعار و سخنان او این مدعا را تأیید می‌کند که پروین از این زاویه یک شاعر نئوکلاسیست است چون نئوکلاسیک‌ها دستاوردهای ادبیات کهن و سنتی را ارزشمند می‌دانستند ولی شعر و ادب را در حصار آن محصور نمی‌کردند و با آغوش باز به استقبال موضوعات و مضامین تازه می‌رفتند. بنابر این، تأکید پروین بر پند و نصیحت در اشعارش دلیل این است که به اختیار و آزادی انسان معتقد است و انسان در نگاه وی می‌تواند در آینده خود سهیم باشد و برای آن تصمیم بگیرد و این امر نشانه اراده و اختیار انسان در گستره مطالبات نو است:

دیوانگی است قصه تقدیر و بخت نیست
از بام سرنگون شدن و گفتن این قضاست
(۱۱۹)

دیده بیندی و در اُفتی به چاه
این گُنه توست نه حکم قضاست
(۱۰۵)

مگوی بی گُنهَم سوخت شعله تقدیر
همین گناه تو را بس که نیستی برور
(۴۳۳)

شاعر تقدیر را در سرنوشت و سعادت انسان مؤثر نمی داند و معتقد است که باید از عقل و خرد پیروی کنیم تا آینده خود و سعادتمان را تأمین کنیم و به باروری مادی و معنوی برسیم.

پروین کوشش بر مدار خرد را اصل مؤثر در زندگی انسان می داند و سعادت انسان را ساخته این کوشش محسوب می کند؛ خردمندان، سعادت‌ی که محصول ایفای نقش آدمی در جهان هستی است:

به تو هرچ آن رسید از تنگی و مسکینی
همه از توست نه از کج روی دوران
(۲۱۰)

همه کردار تو از توست چنین تیره
چه کنی شکوه ز ماه و گله از اختر
(۱۷۶)

پروین مسبب اعمال و حرکات انسان را خود او می داند و نه کسی دیگر، چنان که قرآن کریم نیز می فرماید: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (اسراء، ۱۵). شاعر سبب و بانی اتفاقات امروز و فردای هر انسانی را عملکرد خود او می داند و نهیب می زند که در فراز و فرود زندگی هر انسانی، کسی دیگر جز او مسؤول و پاسخگو نیست.

۲-۵. حقیقت‌نمایی

مسائل و حوادثی که در ادبیات مطرح می شود باید حقیقت‌نما باشد، نه حقیقتی که موضوع تاریخ است. به بیانی دیگر، اگر تاریخ حقیقت است ادبیات محتمل حقیقت

است (شمیسا، ۱۳۹۱: ۴۹). حقیقت‌نمایی در میان اصول مکتب کلاسیسم بر هر اصلی مقدم است. ارسطو در «فن شعر» در این باره می‌گوید: «شکی نیست که اثر شاعر از آن چیزی که اتفاق افتاده است، بحث نمی‌کند بلکه از آن چیزی سخن می‌گوید که وقوع آن بر حسب ضرورت یا حقیقت‌نمایی امکان دارد. فرق شاعر و مورخ در این است که مورخ از آن چه اتفاق افتاده است بحث می‌کند و شاعر از آن چه می‌توانست اتفاق بیفتد. شعر پیوسته از کلیات بحث می‌کند و تاریخ از جزئیات. «کلی» آن چیزی است که هر کسی مطابق مشخصات روحی خود و بر حسب ضروریات یا حقیقت‌نمایی می‌تواند آن را بگوید یا انجام دهد» (سیدحسینی، ۱۳۸۱: ۱۰۴). فقط بیان مسائل حقیقت‌نماست که می‌تواند برای راهنمایی مردم به سوی شرافت و مزایای اخلاقی مورد استفاده شاعر قرارگیرد نه ذکر وقایع حقیقی (همان: ۱۰۵). اگر از این دریچه به اشعار و آثار پروین اعتصامی نگاه کنیم، «حقیقت‌نمایی» در بیان او در اوج است چون پروین به دنبال مدینه فاضله‌ای است که همه چیز را در آن، برای جامعه، روشن و باصفا می‌خواهد. اگر از این دریچه به شعر پروین بیندیشیم، او بیشتر نئوکلاسیک است زیرا نئوکلاسیک‌ها در آثارشان بیشتر آرمان‌گرا هستند و آن چیزی که باید باشد، بیشتر برایشان ارزش و اهمیت دارد. بیشتر اشعار پروین از بن‌مایه حقیقت‌نمایی برخوردارند و بسامد آن در اشعارش بیش از ۵۰ مورد است. برای مثال به نمونه زیر توجه کنید:

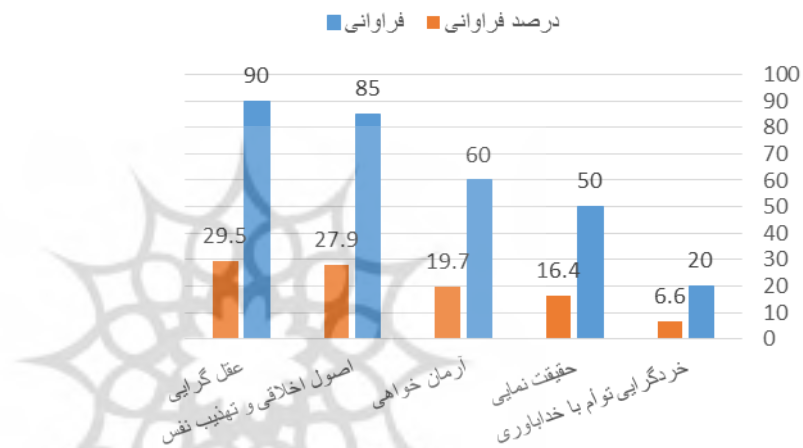
بزرگی داد یک درهم گدا را	که هنگام دعا یاد آر ما را
یکی خندید و گفت این درهم خُرد	نمی‌ارزید این بیع و شری را
مکن هرگز به طاعت خودنمایی	بران زین خانه، نفس خودنما را
چه دادی جز یکی درهم که خواهی	بهشت و نعمت و ارض و سما را؟
نشاید خواست از درویش پاداش	نباید کشت، احسان و عطا را
تو نیکی کن به مسکین و تهیدست	که نیکی خود سبب گردد دعا را

حقیقت‌نمایی نگرشی آرمان‌گرایانه در امور گوناگون از جمله بسترهای اخلاقی و یکی از شگردهایی است که در نئوکلاسیسم برای بیان مفاهیم اخلاقی کاربرد دارد و پروین از این شگرد در بیان معتقدات اخلاقی خویش بهره گرفته است؛ چنان که در حکایت مذکور ریاکاری را مذموم می‌داند و نوع انسان خاصه حاکمان را به بخشش بی‌ریا که آثار مؤثر و مثبتی دارد فرا می‌خواند. برای تفصیل بیشتر، نک: قطعات: درخت بی‌بر، قلب مجروح، دو همدرد، مناظره دو قطره خون، قدر هستی، ذره و خفاش، عمر گُل.

۳. نتیجه

پروین اعتصامی از شاعران دوره مشروطه است که گرایش محتوایی شعرش با اصول کلاسیک و نئوکلاسیک هماهنگی دارد زیرا حدود ۹۰ مورد از سروده‌هایش درباره خردورزی، دعوت به خردگرایی و تدبیر زندگی انسان است. خردگرایی خدامحور و باورمند جلوه آشکاری در شعر پروین دارد و در حدود ۲۰ سروده شاعر می‌توان آن را یافت. پروین اعتصامی که فکر و اندیشه‌اش بر مدار عقل است، به اراده انسان، آزادی و اختیار او در تعیین سرنوشت خویش اعتقادی راسخ دارد و از این زاویه یک نئوکلاسیست است زیرا دستاوردهای ادبیات کهن و سنتی را ارزشمند می‌داند و نه تنها شعر و ادب را در حصار آن محصور نمی‌کند بلکه با آغوش باز به استقبال موضوعات و مضامین تازه می‌رود. پایبندی به اصول اساسی اخلاق با حدود ۸۵ مورد، بن‌مایه دیگری از شعر شاعر است که هدف و رسالت اصلی ادبیات کلاسیسم و نئوکلاسیسم غربی است، اگر چه جلوه‌های آشکارتری از آن در ادبیات شرق (ایران) دیده می‌شود و اشعار پروین با تکیه بر آن پیام‌هایش را برای انسان معاصر صادر کرده است. حدود ۶۰ مورد از مناظره‌های دیوان پروین سندی محکم بر این مدعا است که وی هم اختیار انسان را ترویج می‌کند و هم شیوه‌ای نو و روزآمد را برای بیان آن به کار می‌گیرد. این موضوع بر نئوکلاسیک‌بودن شاعر در اصل آرمان‌گرایی عقلانی و اخلاقی و دیگر

موضوعات کمال‌گرایانه مَهر تأیید می‌زند. پروین، خودکار و ناخودآگاه به کلاسیسم و نئوکلاسیسم پیوسته است و در این زمینه صاحب سبک ویژه‌ای است. چنان‌که سجایای عالی بشری را با موضوع خردگرایی خداپاور و اخلاق‌مداری کمال‌گرا محاکات کرده است و آرمان‌خواهی را با حقیقت‌نمایی در اشعارش پیوند زده است. این رویکرد، پروین را از نئوکلاسیسم‌های غربی و اومانیست‌ها جدا می‌کند و بینشی نو را با درکی عمیق در شعرش به نمایش می‌گذارد که مَنادی ظهور انسان و حیانی است. نمودار زیر فراوانی و درصد فراوانی موضوعات شعر پروین اعتصامی را با محوریت بازنمایی اصول کلاسیسم و نئوکلاسیسم نمایش می‌دهد:



منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آراین‌پور، یحیی. (۱۳۷۹). از نیما تا روزگار ما. تهران: زوار.
- ۳- احمدزاده، شیده. (۱۳۸۴). ادبیات نئوکلاسیک و فلسفه روشنگری. پژوهش‌نامه علوم انسانی. ش ۴۵-۴۶، ص.ص. ۱-۱۶.

- ۴- اعتصامی، پروین. (۱۳۹۰). دیوان. به کوشش شهرام رجبزاده. تهران: قدیانی.
- ۵- ثروت، منصور. (۱۳۸۵). آشنایی با مکتب‌های ادبی. تهران: سخن.
- ۶- ریپکا، یان. (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات ایران. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: سخن.
- ۷- زرشناس، شهریار. (۱۳۸۶). پیش‌درآمدی بر رویکردها و مکتب‌های ادبی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ اسلامی.
- ۸- سکران، دمینیک. (۱۳۸۰). کلاسیسیزم. ترجمه حسن افشار. تهران: مرکز.
- ۹- سیدحسینی، رضا. (۱۳۸۱). مکتب‌های ادبی. تهران: نگاه.
- ۱۰- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). از عصر جامی تا روزگار ما. ترجمه حجت‌الله اصیل. تهران: نشر نی.
- ۱۱- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۱). مکتب‌های ادبی. تهران: قطره.
- ۱۲- کریمی حکاک، احمد. (۱۳۸۴). طلوعه تجدد در شعر فارسی. تهران: مروارید.
- ۱۳- مشرف، مریم. (۱۳۹۰). مفهوم تجدد و رویکرد نئوکلاسیک در دیوان پروین اعتصامی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. سال ۳، ش ۱۱، ص.ص. ۱۵۲-۱۳۵.
- ۱۴- ولک، ژنه. (۱۳۷۳). تاریخ نقد جدید. ترجمه سعید ارباب شیرانی. تهران: نیلوفر.
- ۱۵- هارلند، ریچارد. (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه ادبیات از افلاطون تا بارت. ترجمه علی معصومی و شاپور جورکش. تهران: چشمه.
- ۱۶- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۶). چون سبوی تشنه. تهران: جامی.
- ۱۷- یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. سال ۳، ش ۱۱، ص.ص. ۱۷۵-۱۵۳.
- ۱۸- ----- (۱۳۹۳). قصیده مرآت الصفاى خاقانی از دیدگاه ادبیات تعلیمی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. سال ۶، ش ۲۴، ص.ص. ۵۸-۳۳.
- ۱۹- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۶۹). چشمه روشن. تهران: علمی.